



یکشنبه ۱۴ آبان ۱۳۹۶

دیلِماسی فردا

ایران در رسانه‌ها

ایران و ترکیه امپراتوری‌های خاورمیانه

هاآر تص نوشت: «جهان عرب در خاورمیانه اخیراِبه حوزه‌های نفوذ قدرت‌های امپراتوری تبدیل شده است.این بار، نه توسط بریتانیا و فرانسه بلکه ایران و ترکیه. این دو کشور، امپریالیست‌های جدیدند و دلیلی دقیقا مشابه برای اعمال سلطه خود دارند.» به گزارش «انتخاب»، این نشریه اسرائیلی در ادامه آورده است: «ایران و ترکیه به‌دنبال اعتبار و نفوذ بین‌المللی هستند و قصد دارند منابع انرژی و موقعیت ژئوپولتیکی منطقه را تحت مالکیت خود در آورند.» روایتی که در بالا ذکر شد، برای همگان آشنا به‌نظر می‌رسد، اما این بار این قدرت‌ها بریتانیا و فرانسه یا آمریکا نیستند، بلکه ایران و ترکیه دو کشور غیر عربی و با سابقه امپراتوری هستند که آرزو دارند بتوانند سلطه خود را مجدداً به‌دست بیاورند. طی چند سال گذشته، آنکارا از مسعود بازرانی، رهبر منطقه کردستان عراق حمایت از وی استفاده کرده تا بتواند انرژی سوداآور و پروژه‌های ساختمانی را به‌دست آورد. پس از فراندوم استقلال کردها، آنکارا با تغییر دادن طرف مورد حمایت خود و ابراز حمایت از بغداد، بازی امپراتوری تقسیم ممالک و سلطه بر آنها را انجام داده واین کار توسط بغداد به‌خوبی مورد تقدیر قرار گرفت، به‌طوری که بغداد قول بازگشایی خط لوله خود را به ترکیه داد. در عین حال، ترکیه دو برابر در سوریه مداخله دارد و وضعیت خود را برابر در سوریه محوری مهم و بخشی از واقعیت صحنه تلقی شده و مسکو به سمت آن می‌رود که در شمال این کشور حفظ می‌کند.ایران نیز سابقه قدمت امپراتوری‌اش طولانی است که از امپراتوری هخامنشی تا قاجار ادامه داشته است.

پاسخ قاسمی به ادعای حملات سایبری ایران

ایلنا نوشت: «سخنگوی وزارت امور خارجه می‌گوید از دولت آمریکا و رژیم اشغالگر قدس چندان تعجب نمی‌کنیم که روزانه به انواع موضوعات متوسل می‌شوند تا افکار عمومی جهان و دولت‌های دیگر را علیه ایران تحریک کنند.» بهرام قاسمی در واکنش به ادعاهای مقامات رژیم صهیونیستی، بریتانیا و آمریکا در خصوص حملات سایبری ایران گفت: «تبیاد تعجب کرد اگر رژیم اشغالگر قدس و آمریکا چنین ادعاهایی را مطرح می‌کنند که بی‌اساس و در ادامه نفرت‌پزنی‌های سابق علیه دولت و ملت ایران است.» وی با بیان اینکه نباید این اتهام‌فکنی‌ها و نفرت‌پزنی‌ها را باور کرد، اظهار کرد: «بجئی که درخصوص بریتانیا هم مطرح شده، منائر از اخباری است که در محافل ضداِبرانی مطرح شده است. اگر چنین بجئی جدی باشد، ایران حتماً این مسئله را دنبال می‌کند و از راه‌های مختلف آن را مورد پیگیری قرار می‌دهد اما از دولت آمریکا و رژیم‌اشغالگر قدس چندان تعجب نمی‌کنیم که روزانه به انواع موضوعات متوسل می‌شوند تا افکار عمومی جهان و دولت‌های دیگر را علیه‌ایران تحریک کنند.»

مشکلات و عیب‌های برجام اصلاح شود

سایت الجزیره نوشت: بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل در سخنرانی در مرکز مطالعات چتم‌هاوس لندن گفت: «اسرائیل با هر هزینه‌ای، به ایران اجازه نمی‌دهد در منطقه خاورمیانه توسعه پیدا کند.» نتانیاهو با اشاره به برجام گفت: «ایران هم اکنون تهدید است زیرا نه‌تنها برای سیطره بر منطقه تلاش می‌کند بلکه قصد دارد بمب اتمی تولید کند، هدف من هم اکنون حفظ بانویرجام نیست بلکه اصلاح این معامله و تصحیح مشکلات و عیب‌های اصلی آن با همکاری کشورهای است که تمایل دارند این توافق ادامه یابد.» او درباره مسئله فلسطین هم گفت که شرط پایان نزاع و برقراری صلح با فلسطینی‌ها، اعتراف آنها به‌این نکته است که اسرائیل وطن یهودیان است. نتانیاهو ادامه داد: «توافقات بزرگی در خاورمیانه‌روی می‌دهد زیرا کشورهای عربی زیادی هم‌اکنون اسرائیل را دشمن نمی‌دانند بلکه اسرائیل را هم‌پیمانی می‌دانند که نمی‌توان در جنگ علیه «اسلام مسلح» از آن بی‌نیاز شد.»

نیم‌نگاه

داعش، بحرانی بلندمدت برای جامعه جهانی

• **نزعت امیر آبادیان**

روزنامه نگار

گروه تروریستی داعش زمانی ادعاهای بزرگی داشت قرار بود در بخش بزرگی از خاورمیانه (از شام تا عراق) قلمرو خلافتش برپا شود، اما ایسن روزها مقرهای کوچکی چون یک روستا یا محله‌ای از یک شهر به قلمروهای موقتی آنها تبدیل شده‌است.

چندی پیش برت مگ‌گور، ک فرستاده ویژه رئیس‌جمهور آمریکا در نیروهای ائتلاف مبارزه با داعش در توتیتی درباره داعش نوشت: زمانی خود را سرسخت‌نشان داد اما اکنون به یک آرمان نفرت‌انگیز و از دست رفته تبدیل شده‌است.

و تاجیکستان با اقدامات تروریستی خود روسیه، کشورهای اروپای غربی و آمریکا را به شدت نگران کرده‌اند. بسیاری از این شهروندان آسیای مرکزی، پس از مدتی جنگیدن در صفوف جریان تروریستی داعش در عراق و سوریه، به اروپا یا آمریکا منتقل می‌شوند و آنجا دست به عملیات انتحاری می‌زنند. این افراط‌گرایان از کشورهای آمده‌اند که در آنجا فساد اداری، خودکامگی و فقر بیداد می‌کند؛ اینها عواملی هستند که شهروندان را به‌سوی باورهای افراطی سوق می‌دهند.

اما در این میان نباید از یاد برد که بسیاری از کشورهای اروپایی نیز شاهد پیوستن شهروندان خود به این گروه تروریستی هستند.

داعش در زمان اوج قدرت خود در اواسط سال ۲۰۱۴ یک جمعیت ۸ تا ۷ میلیون نفری را در کنترل داشت که از آنها مالیات می‌گرفت. در عین حال علاوه بر آن چهارهزار پیکارجوی داعش، شهروندان آسیای‌میانه هستند. سال‌هاست که افراط‌گرایان اسلامی آسیای مرکزی و به‌ویژه پیکارجویان قرقیزستان، ازبکستان

و مجموعه قدرتمندی از تجهیزات نظامی مدرن را در اختیار داشت.

پایتخت اقتصادی آن شهر موصل بود که دومین شهر بزرگ عراق است. داعش را می‌توان ثروتمندترین و مجهزترین نیروی افراط‌گرایسی که تاکنون دیده شده، دانست. موفقیت‌های این گروه تحلیل‌گران را در سراسر جهان شوکه کرد. کارهایی که گروه شبه‌نظامی القاعده سال‌ها قبل در سال ۱۹۸۸ هنگام شکل‌گیری در پاکستان درباره آنها صحبت کرده بود و شکر داشتند در عرض چند دهه یا چند قرن آینده انجام دهد به یکباره در عرض چند ماه از سوی گروه انشعابی تازه‌کار داعش اتفاق افتاد. به یک باره اعلام تشکیل خلافت این گروه از سوی رهبر ۴۶ ساله‌ای به نام ابراهیم عواد مشهور به ابوبکر البغدادی از محل منبر مسجدی ۹۵۰ ساله در شهر موصل معادلات تحلیل‌گران در سراسر جهان را با چالش مواجه کرد. طبق اعلام مقام‌های ارشدارتش آمریکا از سال ۲۰۱۴ تاکنون نزدیک به ۶۰ هزار نفر از اعضای داعش کشته

میز بنشینند؟ ما باید از این زاویه ببینیم که روند باید به‌صورت گام‌به‌گام پیشرفت کند و این انتظار رستی نیست که بخواهیم در یک فرصت کوتاه همه چیز به نتیجه برسد این بحران نیاز به زمان دارد و یک‌شبه همه چیز تمام نمی‌شود، باید به روند خوشبین باشیم.

نگاه دیگری پاسخگو نخواهد بود، در حال حاضر بارها مخالفان و نمایندگان دولت سوریه سر میز مذاکره نشسته‌اند و روزهای اول حتی جرو بحث‌های طولانی مدت و ترک مذاکرات را داشتیم ولی امروز آنها بارها حرف‌های یکدیگر را شنیده‌اند و آماده شنیدن نظرات مخالف هستند، در یک فرآیند کلی پیشرفت داشته‌اند

اگرچه کند بوده است. اینکه روس‌ها ابتکار عمل را در دست گرفته‌اند، اتفاق خوبی محسوب می‌شود به‌رحال ایران نیز بازگرم مهمی در صحنه بوده، ترک‌ها هم نشان داده‌اند اگر به سودشان نباشد بازی را به‌هم می‌زنند، یا اینکه امر یک‌ها هم باید سهم خودش را داشته باشد.

اگر قرار باشد هر جای دیگری هم باشد، حتی اگر در صحن سازمان ملل در نیویورک هم جلسه گذاشته شود باز هم هر کدام از نیروهای موثر می‌توانند بهانه‌های خود را داشته باشند، اگر اجلاسی در داخل سوریه شکل می‌گرفت بهترین گزینه بود که موافقان و مخالفان در خاک خودشان تکلیف خود را مشخص کنند، اما بسیاری از طرف‌های مخالف تاثیرگذار آنها مایل نیستند در جایی که دولت کنترل را دست دارد حضور داشته باشند و ترجیح می‌دهند فعلا وارد سوریه نشوند و می‌خواهند بعد از توافق وارد سوریه بشوند. در کلیت همه طرف‌های جهانی و منطقه‌ای پذیرفته‌اند که روس‌ها نقش تعیین‌کننده دارند، نمی‌شود نقش روس‌ها را فراموش کرد، آنها ابزارهایی دارند و حضورشان در صحنه‌ها تثبیت شده است و از زمان روی کار آمدن بوتین توانایی‌های خود را در زمینه سیاسی و امنیتی نشان داده‌اند، بنابراین با توجه به ابتکار عملی که نشان داده‌اند و قانع کرده‌اند طرف‌های سوری را که بتوانند با هم گفت‌وگو کنند نقش‌شان پررنگ است، در ابتدای بحران بسیاری از نیروها با حضور روس‌ها در صحنه مخالفت داشتند و آنها را نمی‌پذیرفتند، اما امروز توافق کرده‌اند که روس‌ها باید نقش داشته باشند برای همین حاضر می‌شود به آستانه و سوچی بیایند، آنها بارها به مسکو سفر کرده‌اند و با روس‌ها مذاکره داشته‌اند، پس نمی‌توان به شکل سیاسی صرف به نقش روس‌ها داد.

فردای مذاکرات و پایان بحران یکسری دغدغه‌ها برای ایران و ترکیه باقی می‌ماند که برای روس‌ها اهمیت زیادی ندارد، مانند بحث کردها؛ نیروهای دموکرات نقش مهمی در تحولات داشته‌اند اما برای ایران و ترکیه مسئله امنیتی هستند؟

به نظرم موضوع اصلی شکل‌گیری یک قانون اساسی است که همه مردم در آن به‌صورت کامل نقش داشته باشند و تمامیت ارضی سوریه را حفظ کند. رفراندوم نقش مهمی در آینده سوریه دارد، این قانون اساسی است که باید تعیین کند کردها چگونه در صورت سوچی ابتکار را روس‌ها در دست گرفته‌اند که دولت و مخالفان و سایر نیروها چون رهبران مذاهب و مشایخ قبیله‌ها و نیروهای بومی و شخصیت‌ها را در کنار هم قرار دهند که طیف بزرگ نیروها را جمع‌آوری کنند و نظرات مختلف را بشنوند تا بتوانند تصمیم‌گیری کنند، اگر منظورشان آن است که فاصله نظری و فکری نیروها را به هم نزدیک کند این اولین‌بار نیست و ابتکار جدیدی محسوب نمی‌شود. در ژنو و آستانه هم موافقان و مخالفان کنار هم نشسته‌اند؛ بنابراین نشست سوچی که اول قرار بود در داخل خاک سوریه برگزار شود و حالا در روسیه و سوچی برگزار می‌شود اتفاق جدیدی نیست اما به لحاظ شکلی چون گذشته است برای اولین‌بار و جدیداست و در واقع اتفاق مهمی است.

حتی اگر آمریکا ابتکار این موضوع را به دست می‌گرفت ایران از آن استقبال می‌کرد؟
هر کشور یا سازمانی که ابتکار چنین کاری را به‌دست بگیرد و کمک کند به روند سیاسی و حل اختلافات، ایران باید از آن حمایت بکند، فارغ از نتایجی که به‌دست می‌آید.

کمی رویایی نیست که همه سر یک

نیروهای دولتی سوریه در یازور راهم آزاد کردند؛ همان منطقه‌ای که پس از حمله داعش به پارلمان در تهران مورد اصابت موشک‌های سیاه قرار گرفت. اسد می‌خواهد با حل موضوع ادلب کنترل همه مرزها را در دست بگیرد؛ از ابتدای بحران سوریه ایران بر نقش اسد در آینده سوریه جدید اصرار داشت اما روسیه در نگرش به فرجام پرونده سوریه، رفته‌رفته وارد فاز جدیدی می‌شود؛ فازی که در آن، علاوه بر حمایت از موجودیت کلی نظام سیاسی سوریه، تعامل و ارتباط با معارضان سوری نیز به‌عنوان محوری مهم و بخشی از واقعیت صحنه تلقی شده و مسکو به سمت آن می‌رود که رفته‌رفته، سوریه را نسبت به پذیرش معارضان سوری در ساختار قدرت، اقناع کند و آنان برای فشار اسد و نظام سیاسی کنونی سوریه، به‌شراکیتی تبدیل شوند که با وجود همه اختلافات مبنایی و تنش‌های جدی، کشور را باهم و در کنار هم اداره کنند.

محمد ا ایران، سفیر سابق ایران در اردن و لبنان و نیز مدیر کل خاورمیانه و شمال آفریقای وزارت

• **مرتضی سیمیاری**

روزنامه نگار

می‌خواهم سوال آخر را اول بپرسم؛ با آزاد سازی دیرالزور آینده سوریه چگونه خواهد شد؟
باید در آخرین مرحله بحران درباره آینده سوریه صحبت کرد، زیرا متغیرها و نگاه‌های مختلفی در این زمینه وجود دارد که می‌تواند هر کدام تاثیرات خاص خود را داشته باشد، تا بتوان آینده سوریه را پیش‌بینی کرد؛ تحولات سوریه صرفا داخلی نیست و مدت‌هاست ناظران بحران سوریه به این نتیجه رسیده‌اند که این بحران فراتر از یک بحران منطقه‌ای است، وقتی بحران گسترده می‌شود، مولد تحولات نیز بیشتر می‌شود و هر تحولی می‌تواند عاملی باشد که نتایج نهایی تحت‌تاثیر قرار بگیرد.

اما در شرایط فعلی روند تحولات در سوریه به دو دسته تقسیم می‌شود، اول تحولات میدانی و نظامی و هر آنچه روی زمین صورت می‌گیرد و دوم تحولات سیاسی و آنچه پشت میز مذاکرات با گفت‌وگو بین نیروهای داخلی و نیز کشورهای حامی در نظر گذار و مسائل بین‌المللی است، این دو را باید با هم نگاه کرد، به لحاظ میدانی وقایع روی زمین که توسط نظامی‌ها رقم می‌خورد، شرایط نسبت به سال گذشته بهتر شده و پیشرفت پیدا کرده است و دولت سوریه بر بسیاری از سرزمین خود مسلط شده که در طول شش سال گذشته آنها را از دست داده بود، به‌ویژه بعد از باز پس‌گیری حلب در شرق این کشور از تدمر و پالمیرا به سمت دیرالزور منطقه‌ای بسیار وسیعی وجود دارد که نظامیان ارتش سوریه و هم‌پیمانان آن توانسته‌اند تا مرزهای عراق مواضع خود را گسترش دهند.

بازیگری ایران در سوریه به روایت مدیر کل خاورمیانه وزارت خارجه

محمد ایرانی: با بازگشت آرامش از سوریه خارج می‌شویم

خارج‌ه اعتقاد دارد، کنار هم نشستن نیروهای مخالف دور یک میز مهم‌ترین دستاورد برای ایران محسوب می‌شود؛ او معتقد است روس‌ها باز بگر مهم صحنه محسوب می‌شوند برای همین سوچی محل آخرین قرارها برای تدوین قانون اساسی سوریه خواهد بود. شرایط دهشتناکی که در صحنه سوریه روی داد، نه فقط به سوریه ضربه زد و این کشور را با استهلاک و خسارات فراوان روبه‌رو کرد، بلکه هزینه‌های بسیار سنگینی بر دست ایران و روسیه گذاشت، خسارت و ناامنی‌های کم‌نظیری را متوجه ترکیه کرد و بدون عراق، موجب افزایش ناامنی و تهدید در کل خاورمیانه و جهان شد. این جنگ طولانی و فرسایشی به جایی رسیده که ادامه آن، برای هیچ‌کدام از کشورهای مرتبط، مقرون به صرفه نیست و همین نکته، عمده‌ترین وجه مشترک همه سناریوهای است که می‌تواند برای آینده سوریه در نظر گرفته شود.

اجلاس سوچی هم قرار است برگزار شود و قانون اساسی جدیدی تدوین شود؛ ایران همواره می‌خواسته فشار اسد در معادلات آینده باقی بماند، در میز مذاکرات جدید جایی برای اسد وجود دارد؟

قطعا اسد باقی می‌ماند؛ من سه اصل ایران را در سوریه باید بگویم و بعد وارد بررسی وضع موجود شوم، اول آنکه بحران سوریه راه‌حل نظامی ندارد و باید مذاکره سیاسی بین نیروهای در صحنه روی دهد و در اس این راه‌حل سیاسی گفتم و گوهایی سیاسی بین دولت سوریه و مخالفان است، امروز نگاه‌های جداگانه‌ی که دو طرف داشتند به تدریج کاهش پیدا کرده است و هر دو طرف یکدیگر را پذیرفته‌اند، آنها به‌دنبال حذف یکدیگر نیستند و پذیرفته‌اند تا دو طرف در آینده سوریه داشته باشند، پس راه‌حل سوریه نظامی نیست و دو طرف نیز آن را پذیرفته‌اند، دوم اینکه هر گونه راه‌حل برای آینده سوریه از نگاه ایران باید با حضور مردم و دولت فعلی باشد، هر کدام اگر نباشند روند دچار اشکال خواهد شد.

ببینید در ابتدا آمریکا‌یی‌ها و اروپایی‌ها اصرار با یک‌کاری کرد که زمینه شکل‌گیری مذاکره بین نیروهای مخالف و دولت اسد تسهیل شود، برای ایران فرق نمی‌کرد این مذاکرات در آستانه باشد یا ژنو یا اینکه تحت نظرات سازمان ملل باشد، آستانه کمک کرد و دو طرف بتوانند کنار هم قرار بگیرند و با هم مذاکره کنند؛ این بزرگ‌ترین دستاورد آستانه بود.